

# ورزش حرفه‌ای از نگاه کارشناسان حرفه‌ای! ما

## به این بی‌نظمی!! می‌گویید فوتبال حرفه‌ای!!



سومین دوره لیگ حرفه‌ای !!! ایران و روز دوشنبه ۱۴ اردیبهشت سال جاری به پایان رسید تا تیم پاس بار دیگر قهرمانی را به تهران بزرگ برگرداند و تیم‌های صاحب نام شهرستانی را ناکام گذارد.

تیم سپاهان اصفهان که در دوره دوم این جام به مقام قهرمانی رسیده بود و با این کار به مسئولین نا کارآمد و غیر متخصص ورزش ما این بهانه را داده بود که مدعی شوند ورزش را در تمام کشور گسترش داده‌اند!! امسال به مقام پنجم رسید تا بار دیگر به همه ثابت شود که بحث توسعه‌ی ورزش در کشور ما بیشتر به شوخی می‌ماند تا واقعیت. زیرا اگر این گونه نبود هرگز لقب و عنوان بهترین تیم شهرستانی در فوتبالمان معنی نداشت.

در کجای دنیا سراغ دارید که بهترین تیم شهرستانی را انتخاب کنند؟ آیا این عنوان به این معنی نیست که عناوین ورزش ما دو گونه هستند: طبقه‌ی قهرمانی که متعلق به تهرانی‌ها است و طبقه‌ی بهترین تیم شهرستانی‌ها که متعلق به بقیه‌ی کشور است. آیا این گونه تقسیم‌بندی را در هیچ جای دیگر دنیا دیده‌اید؟ غول‌های فوتبال اروپا متعلق به کدام کشور هستند؟ جواب بسیار ساده است. باشگاه‌های ایتالیا و اسپانیا میلیونرهای اروپایی هستند، ولی قهرمان اروپا امسال نه از ایتالیا بود و نه از اسپانیا، بهترین تیم باشگاه‌های اروپا در آخرین تقسیم‌بندی فیفا تیم پورتو از پرتغال بود.

در دنیا دیگر هیچ تیمی ضعیف نیست. مگر در جام جهانی، ترکیه و سنگال به جهان نگفتند که حرف‌های بیشتری برای جهان فوتبال دارند؟ ما هنوز به شهرستان‌های خودمان به چشم دسته‌ی دوم نگاه می‌کنیم. اگر این گونه

نبود در رقابت‌های فوق آماتور ما که به اشتباه نام حرفه‌ای بر آن گذاشته‌ایم از بین ۱۴ تیم دسته اول ۴ تیم از تهران و ۱۰ تیم از بقیه‌ی ایران نبود. شاید عنوان شود بحث تقسیم‌بندی تیم‌ها در جهان فوتبال مطرح بوده و هست و به عنوان مثال عنوان شود در جام جهانی تنها ۴ تیم از آسیا به جام جهانی می‌رود و ۱۳ تیم از اروپا. اما ما می‌گوییم این تقسیم‌بندی به علت وضعیت جغرافیایی نیست، بلکه براساس قدرت تیم‌ها است. فوتبال تهران به اندازه ۲۰٪ فوتبال کشور قدرت ندارد که ۳۰٪ سهمیه‌ی تیمی را به آن داده‌ایم و نمونه بارز این تقسیم‌بندی سقوط تیم سایپای تهران به رقابت‌های (play off) است بگذریم...

نحوه برنامه‌ریزی کمیته‌ی اجرایی لیگ هم در نوع خود جالب است. نمونه‌ی شگفت‌انگیز آن انجام بازی‌ها در مناطق گرمسیر نظیر خوزستان در فصل تابستان و انجام بازی‌ها در مناطق سرد و باران خیز نظیر گیلان و مازندران و آذربایجان در فصل زمستان بود. یعنی جدول زمانی عکس چیزی که می‌تواند با یک زمان‌بندی

بسیار ساده عوض شده و کارآیی بهتری داشته باشد، تنظیم شده بود. در زمینه‌ی مدیریت باشگاه‌ها شاهد روی داده‌های جالبی بودیم. شاید تیم استقلال اهواز یک تیم استثنایی در فوتبال جهان باشد. این تیم برای ۲۶ بازی در لیگ برتر ۴ مربی عوض کرده است که آخرین مربی هم در شرف اخراج است. با این برنامه‌ریزی ضعیف و ضد فوتبال چه‌گونه فوتبال ما می‌خواهد جهانی شود؟

نگاه کنید به دو تیم بزرگ! سرشناس! و مطرح فوتبال کشورمان. تیم‌های صاحب نام کشورمان: استقلال و پرسپولیس به یاری مدیریت فوق مدرن مدیران برجسته‌شان در سال گذشته!! یا خودشان با برگه‌های جلب قضایی هر هفته در دادسراها بودند و یا بازی‌کنانشان به دلیل به جریان افتادن چک‌های برگشتی قراردادهایشان تحت تعقیب! نحوه داوری بازی‌ها نیز یک فاجعه در نوع خود بود. داوری‌ها به قدری فاجعه آمیز بود که همی تیم‌ها به آن اعتراض داشتند. رییس کمیته‌ی داوران که از نظر استعداد در برقراری دیکتاتوری دست چنگیز، تیمور لنگ،

هیتلر و موسولینی را از پشت بسته است، با شنیدن هر گونه اعتراض به ابتدایی‌ترین اصول داوری، تیم‌ها را جریمه‌ی نقدی می‌کرد و به این وسیله ضمن ترسانیدن تیم‌ها و اعمال قدرت دیکتاتوری، برای صندوق فدراسیون فوتبال در آمد زایی می‌کرد و یا مربیان و بازیکنان را از بازی‌ها محروم می‌نمود.

تمام این داستان‌ها اگر فراموش شوند، وقایع روز آخر لیگ فراموش شدنی نیست، زیرا برای خود حدیث مفصلی دارد. تیم پاس در بازی آخر خود که در ورزشگاه اختصاصی‌اش انجام می‌شد به پیروزی پنج بر صفر در مقابل استقلال اهواز دست یافت.

بعد از پایان بازی، جام قدیمی لیگ آزادگان یعنی مسابقاتی که پنج سال پیش انجام می‌شد و اکنون تمام شده و جام متعلق به آن بازی‌ها بود به این تیم برنده داده شد. وقتی خبرنگاری علت این امر را از مقامات مسؤل!! سوال می‌کند پاسخ داده می‌شود که: جام لیگ برتر حرفه‌ای ما!!! در فدراسیون فوتبال شکسته است!!

چه خوب شد که ایران فاتح جام جهانی نشد. زیرا در آن صورت به مدد مدیریت سوپر مدرن فدراسیون فوتبال ایران!! جام جهانی آینده بدون کاپ قهرمانی انجام می‌شد، زیرا فدراسیون آن را شکسته تحویل کمیته برگزاری مسابقات می‌داد. جالب‌تر این که به علت استقرار مطلق بی‌نظمی، جوایز این دوره به جای این که به بازی‌کنان اهدا شود، به تماشاچیان تقدیم شد و تماشاچیان به جای بازی‌کنان پیروز!! دور افتخار زدند و جام آزادگان!! به جای جام لیگ برتر!! دست به دست تماشاچیان علاقه‌مند!! در بین جمعیتی انبوه از کسانی که در استادیوم اختصاصی پاس جمع شده بودند سرگردان بود و بازی‌کنان پیروز!! برای حفظ جان و تأمین امنیت‌شان به رخت‌کن باشگاه پناه برده بودند و هیچ کس نمی‌دانست چه باید انجام دهد!

سومین دوره لیگ برتر با داستانی که در باشگاه پاس بر آن گذشت به تاریخ پیوست و یک افسوس نه!! بلکه هزاران آه و افسوس برای علاقه‌مندان به ورزشی ماند، که فوتبال را با نگاه

جهانی آن تعقیب می‌کنند!! ...

این لیگ که بدون تردید نه حرفه‌ای است و نه برتر، اوج افتخار، شایسته‌گی و اهمیت فوتبال کشور ۷۵/۰۰۰/۰۰۰ نفری ما است که هنوز نمی‌داند در کدام نقطه‌ی بین زمین و آسمان آویزان است؟! با یک نگاه ملی، دقیق، ایمان‌گرایانه و بی طرف به ویژه‌گی‌های پروسه‌ی پیشرفت فوتبال کشورمان در مقایسه با آن چه که در کشورهای مانند امارات متحده (که در اندازه جغرافیایی یک روستای بزرگ ما هم نیست)، ترکیه، کره، ژاپن، چین و ... می‌گذرد، بسیاری از تنگ‌ناها، بی‌برنامه‌گی‌ها، رفیق‌بازی‌ها، بازی‌کن‌سالاری‌ها، جای‌گزینی منافع شخصی و باشگاهی به جای منافع ملی را می‌توان ارزیابی کرد و به اطلاع مردم رساند تا بدانند سهم ما در فوتبال جهان چه قدر است و این هیاهوی داخلی برای هیچ!! چه خبر!! ...

نگاهی از سر غیرت، مردانه‌گی، غرور ملی و لطف (و نه حسادت) به تیم‌هایی مانند پرتغال و یونان در جام اخیر اروپا و تیم ترکیه در جام قلمی، بسیاری از نفع پرستی‌ها، خودبینی‌ها، غرورهای بی‌جا، دروغ‌ها، زد و بندهای پنهانی، فساد اداری، اقتصادی و اخلاقی بسیاری از باشگاه‌ها، تیم‌ها و ورزش‌کاران ما را آشکار خواهد کرد. از سر شوق و رفتار پهلوانی و شرافت ورزش‌کاری از آن چه که در جام قهرمانی اروپا در پرتغال گذشت درس عبرت بگیریم و بیندیشیم اگر فوتبال ما با فرض محال در سطح کشورهایمانند فرانسه، آلمان، انگلستان، ایتالیا، هلند، اسپانیا و چک باشد که هرگز نیست و نمی‌تواند باشد، باز هم نباید مغرور شویم و به آن چه که نداریم بی‌بالیم، زیرا اگر تیم‌هایی از نظر تکنیک ضعیف، اما از نظر مدیریت کارساز و قوی، به ناگاه از پشت پرده بیرون آیند و حسرت خیلی چیزها را بر دل ما بگذارند، چه حرفی برای گفتن داریم؟

اگر فرانسه، چک، آلمان، ایتالیا، اسپانیا و هلند به دو تیمی که در آغاز بازی‌ها خوشبین‌ترین فوتبال شناس جهان نیز تصور نمی‌کرد این‌گونه شود، باختند، خوشحالند که دارای فرهنگ و اخلاق بسیار پیش‌رفته‌ی فوتبال هستند

و صدها تیم و هزاران نفر دیگر در انتظارند تا جای بزرگان را در تیم‌های ملی بگیرند. اما ما چه داریم؟ چه کسی می‌تواند جای این یک دو چین بازی‌کن پیر و سن بالا و زلف روغن زده و فیس و اقلده‌ای ما را بگیرد؟ اگر در بین تیم‌های جهان بازی‌کنانی چون مارادونا، پاول ندود، بکام، زیدان، رونالدو، دل پیرو، تاتی فیکو، گردمولر، فولر و ... ستاره می‌شوند، فقط به خاطر بازی بسیار بالا و تکنیک برتر آن‌ها نیست. ورزش امروز جهان فرهنگ، اخلاق و خرد جمعی را پایه‌ریزی می‌کند و فوتبال در بین تمام ورزش‌های دیگر حرف اول را می‌زند.

قبول کنیم که فوتبال ما نه از نظر تکنیک، نه از نظر استراتژی، نه از نظر مدیریت و خیلی چیزهای دیگر به گرد تیم‌های صاحب نام جهان نمی‌رسد. ما هم چنان سر در لاک خود خوشحالیم که در لیگ‌های درجه‌ی سوم و چهارم جهان آن هم از نوع لیگ‌های تبلیغاتی شرکت‌های ورزشکته‌ی جهان با تیم‌هایی مانند بحرین، سوریه، قطر، فلسطین، لبنان، عراق، تایوان، مالزی، سنگاپور و ... مسابقه می‌دهیم و دلمان خوش است که تیمی مانند بنگلادش یا سنگاپور را می‌بریم و جالب است که به این برد خود نیز غره می‌شویم و باد می‌کنیم!

چه‌گونه است وقتی که تیم‌های درجه‌ی ۲ و ۳ کشورهای صاحب نامی مانند آلمان، انگلستان، ایتالیا، فرانسه، اسپانیا و هلند حاضر نیستند با ما بازی کنند ما انتظار داریم سطح تکنیکی تیم‌های ما بالا برود؟ اگر غیر از این است فدراسیون فوتبال اعلام کند که کدام یک از تیم‌های ملی و صاحب نام کشورهای فوتبال خیر جهان در این یکی دو دهه‌ی اخیر حاضر شده‌اند با تیم ملی ما بازی کنند و یا بازی کرده‌اند؟ فراموش نکنیم، ورزش امروزی جهان تبادل فرهنگ‌ها است و فوتبال سفیر فرهنگی تمام ورزش‌ها است.

بخش پژوهش و ورزش مجله فردوسی

تورج - عاطف